مدافع حرم

یادواره شهید بیضایی برگزار می‌شود

یادواره شهدای جبهه مقاومت و یازدهمین سالگرد شهادت شهید مدافع حرم «محمودرضا بیضایی» برگزار می‌شود. این مراسم با قرائت قرآن توسط استاد محمدحسن موحدی، سخنرانی حجت‌الاسلام سیدحسین آقامیری، مداحی کربلایی سیدامیر حسینی، کربلایی امین قدیم و کربلایی حسین ایزدخواه همراه خواهد بود. این یادواره با اجرای نجم‌الدین شریعتی به همت کانون فرهنگی و پایگاه بسیج حمزه سیدالشهداء (ع) و حوزه ۲۷۹ کمیل و حوزه ۲۸۰ کوثر دوشنبه اول بهمن ۱۴۰۳ همراه با نماز مغرب و عشا در مسجد حضرت امام محمدباقر (ع) اسلامشهر برگزار می‌شود. محمودرضا بیضایی متولد ۱۸ آذر ۱۳۶۰ در خانواده‌ای با ریشه‌های مذهبی و دارای خاستگاه روحانیت در شهر تبریز بود. او در آخرین اعزام خود در دی ماه ۱۳۹۲ به یکی از یاران نزدیکش اعلام کرد که این سفر او بی‌بازگشت است. از دو ماه پیش از اعزام، به دنبال هماهنگی برای محل تدفین خود بود. سرانجام، بعد از دو سال حضور در جبهه سوریه در بعد از ظهر ۲۹ دی ۱۳۹۲ هم‌زمان با سالروز میلاد پیامبر اعظم (ص) و امام جعفر صادق (ع) در منطقه «قاسمیه» در جنوب شرقی دمشق بر اثر اصابت ترکش‌های یک تله انفجاری به ناحیه سر و سینه به فیض شهادت نائل آمد.

روایتی برگرفته از زندگی و شهادت «اکبر انتشاری» فرمانده گردان ادوات لشکر ۸ نجف اشرف

خمپاره ۶۰ حریف فرمانده نشد

زهرا شکراللهی
گروه پایداری

شب عید سال ۱۳۴۰ بود. دیگ سمنو وسط حیاط خانه مادر شوهر فاطمه قل‌قل می‌زد. نذر امسال دیر شده و کشیده بود به شب سال تحویل. آتش زیر اجاق سمنوالو می‌کشید. فاطمه نفسش را تازه کرد، نشست پای اجاق و پوست سیر و پیازها را ریخت توی آتش. مادرشوهرش گفته بود: «اگر زن حامله پوست سیر و پیاز را تو آتش بریزد، راحت فارغ می‌شود.» فاطمه از آتش فاصله گرفت. حسنعلی مدام دیگ را هم می‌زد. به صورت فاطمه که گل انداخته بود نگاه کرد، سری تکان داد لبخندی زد. فاطمه آب دهانش را قورت داد. تمام استخوان‌هایش سرد شده بود. به آتش نزدیک شد. شروع به لرزیدن کرد. تا حسنعلی از پای دیگ به فاطمه برسد، فاطمه زانوانش را چسبید. بوی سمنوی شب عید تمام محله صفای نجف‌آباد را پر کرده بود. تا سمنو آماده شود و دم بکشد، فاطمه با کمک مادر شوهرش و زن‌های فامیل فارغ شده بود. حسنعلی قنداق بچه را در آغوش کشید. اذان صبح و اذان تولد نوزاد و اذان باز کردن در سمنو را با هم گفت. اسم اولین بچه‌اش را گذاشت اکبر. حسنعلی کاسه سمنو را تو کوچه «آسیاب حج علی عسگری» پخش کرد. تمام صورتش می‌خندید. بچه‌اش صحیح و سالم به دنیا آمده بود.

از مسجد محله تا خط مقدم

اکبر قدم به قدم با بچه‌های محل بزرگ می‌شد. دم دمای انقلاب بود. نجف‌آباد مدام راهپیمایی می‌شد. اکبر محله به محله همراه بچه‌ها می‌رفت و شعار می‌داد. وقتی هنرستان طالقانی در رشته راه و ساختمان قبول شد، عزمش را برای استاد بنا شدن جزم کرد. عصرها می‌رفت کمک بنای محله آجر به آجر را می‌داد دست استاد بنا. شر و شور انقلاب خوابید دود جنگ که بلند شد. اکبر هر روز شاهد اعزام نیرو به جنگ بود. هرچه سر سفره به پدرش اصرار کرده بود فایده‌ای ندیده بود. یک شب که رفته بود مسجد محله لباس‌هایش را کنده بود، داده بود دست دوستش. لباس بسیجی پوشیده بود و همراه بسیجی‌های محله راهی خط مقدم شده بود. دوستش کلون در خانه اکبر را کوبید. همین که فاطمه در را باز کرد لباس‌های اکبر را که دید، شستش تیر کشید که مرغ از قفس پرید.

گردان قبراق و چالاک

عملیات والفجر مقدماتی بهمن سال ۶۱ که گذشت، اکبر که دیگر راننده کامیونی برای خودش شده بود یاد گرفته بود ادوات جامانده از عملیات‌ها را با کمک بچه‌های لشکر نجف از گوشه کنار منطقه العماره جمع کند؛ بن و اساس گردان بنا شد. اکبر که مسئولیت یک قبضه توپ ۱۰۶ را پذیرفته بود و از زیر و بم کار با سلاح و ادوات دیگر سر در می‌آورد، کم‌کم به هدایت نیرو و رزمنده‌ها مشهور شده بود و به فرماندهی گردان رسید. اکبر و گردانش قبراق و چالاک تکه‌تکه از ادوات را در راه برگشت از عملیات‌های مختلف به نام گردانشان زده بودند. تا روزی که حاج احمد کاظمی دیدکار از دستش در رفته است. اکبر را صدا زد: «دیگر فرمانده گردان شدی، واسه خودت.» با بچه‌های ادوات، دفع پاتک‌ها در هر منطقه، سخت نبود.

قلق‌گیری قناسه

اکبر روی آخرین خاکریز تمرین دراز کشید، دوربین تفنگ قناسه را با احتیاط بست که مبادا حین جابه‌جایی بین زاغه‌ها دوربین آسیب ببیند. حسن لطفی کنار اکبر دراز کشید و با دقت به انگشت‌های اکبر زل زد. اکبر با حوصله پیچ تنظیم دوربین را تاب داد. چند بار هدف فرضی را نشانه رفت و شلیک کرد. قناسه که قلق‌گیری شد کار را به حسن سپرد. زد سر شانه حسن. از جا بلند شد و گفت: «سلامت نیروها از ادوات مهم‌تر است.»

بین پوکه‌های خالی و گلوله‌ها

نبرد والفجر ۴ اکبر و گردانش در بلندی‌های سورن پاتک ارتش عراق را خنثی می‌کردند. اکبر سوار موتور تریل ۲۵۰ سی‌سی بود. در راه رسیدن به سنگر فرماندهی گاز موتور را گرفته بود و از بین پوکه‌های خالی گلوله‌ها، گرد و خاک‌های جاده می‌گذشت. نرسیده به سنگر فرماندهی گلوله خمپاره ۶۰ زیر اگزوز موتور خورد. فرو رفت تو شن‌ها. اکبر چند متر آن طرف‌تر پرت شد، تمام سر و صورتش زخمی شده بود. هرچه گوش‌هایش را بیشتر فشار داد صدای انفجار نشنید. برگشت موتورش را نگاه کرد. موتورش را برداشت و به راهش ادامه داد.

سیگارها را بفرست

پرواز جنگنده‌های عراقی روی سر رزمنده‌های حمله بدر در ارتفاع پایین بود. ۱۳ اسفند سال ۶۳ جنوب دیگر تب‌دار نبود. باد دلهره‌آور اسفندماه خوزستان می‌وزید. رزمنده‌های گردان ضد زرهی ادوات در تکاپوی پدافند بودند و ضد هوایی‌ها با تمام سرعت در حال دور کردن جنگنده‌ها. شرق رودخانه دجله پذیرای گِل‌های روی زمین و پوکه‌های خالی بود. نعمت گردانی از چند صد متر جلوتر بی‌سیم زد: «اکبر اکبر، نعمتم؛ سیگارها را بفرست.» اکبر گوشی بی‌سیم را محکم چسبیده بود. داد زد: « نعمت نعمت، اکبرم دو نخ بیشتر ندارم. یکی امروز یکی روز مبادا.» اکبر به روی گردانش نیاورده بود که گلوله کم دارند. باید از دشمن بگیرند سر دشمن بریزند.

مکث

قانون شهید

صبح حمله بدر، اکبر در بین هورها در حال تحویل قبضه آرپی‌جی ۷ به رزمنده‌ها بود. تیری از کنار رانش گذشت. خونریزی از چکه چکه به شره رسید. اکبر تا سنگر بهداری رفت. ران پایش را پانسمان کردند. درد که امانش را بریده بود زیر لب گفت: «من شانسی از این حمله نمی‌آورم.» شدت آتش عراق شرق دجله را سه خیشه کرده بود. غروب روز بعد حمله بدر به سرخی سنگینی می‌زد. سنگرهای تازه پاکسازی شده محل استراحت نیروهای ایرانی شده بود. خاکریزهای نزدیک رودخانه مملو از گردان‌های پیاده‌ای بود که در کمین نشسته بودند تا برای اعزام به خط آماده باشند. صدای تیربار دشمن یک لحظه قطع نمی‌شد. نورافکن‌های ارتش عراق تا دل سنگر، پیشانی ایرانی‌ها را روشن کرده بود. اکبر و نیروهایش در حال آماده‌سازی توپ ۱۰۶ بودند. اکبر مرتب بین نیروها در رفت و آمد بود. درد ران به استخوان پایش زده بود. شب از نیمه گذشت. امان از نیمه شب‌های جزایر. پاتک لشکر عراق قطع نمی‌شد. اکبر به قبضه کاتیوشا نرسیده بود که کمرش سوخت. گلوله خمپاره ۶۰ درست پشت سرش منفجر شد. اکبر چند متر آن طرف‌تر روی صورتش در بین خاک‌های نرم نزدیک دجله به زمین نشست. اکبر دیگر ندید که حمله بدر با دستور عقب‌نشینی به پایان رسیده. رزمنده‌هایش تکه‌تکه قبضه‌ها و ادوات را صحیح و سالم به عقب برگرداندند. دیگر نبود که بفهمد مهدی باکری قبل از شهادت لابه‌لای آب‌های هور و نیزارها به حاج احمد کاظمی بی‌سیم زده: «احمد حالت چطوره، کاشکی اینجا بودی، جای باصفاییه، خلاصه وقت کردی، بیا تماشا کن.» اما اگر اکبر بود پشت بی‌سیم می‌گفت: «شهادت است، قانون شهید.»

جام جم آنلاین
جدیدترین اخبار ایران و جهان در جام جم آنلاین
ورزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حوادث
instagram.com/jamejam.news https://rubika.ir/JamejamDaily
https://t.me/JamejamDaily http://twitter.com/jamejamCPI
jamejamdaily.ir jamejamonline.ir

حل سودوکو ۴۷۹۱

۸	۶	۵	۱	۳	۲	۴	۹	۷				۲	۹	۸	۵	۷	۶	۴	۱	۳
۴	۹	۳	۸	۶	۷	۵	۲	۱				۱	۴	۶	۳	۹	۲	۷	۵	۸
۷	۲	۱	۵	۹	۴	۸	۳	۶				۵	۳	۷	۴	۱	۸	۹	۲	۶
۵	۱	۹	۴	۸	۳	۶	۷	۲				۴	۷	۹	۱	۸	۵	۶	۳	۲
۲	۸	۶	۹	۷	۱	۳	۴	۵				۸	۱	۲	۶	۳	۴	۵	۷	۹
۳	۷	۴	۲	۵	۶	۱	۸	۹				۶	۵	۳	۷	۲	۹	۸	۴	۱
۹	۵	۷	۶	۴	۸	۲	۱	۳	۸	۴	۷	۹	۶	۵	۲	۴	۱	۳	۸	۷
۶	۴	۲	۳	۱	۹	۷	۵	۸	۶	۱	۹	۳	۲	۴	۸	۶	۷	۱	۹	۵
۱	۳	۸	۷	۲	۵	۹	۶	۴	۵	۳	۲	۷	۸	۱	۹	۵	۳	۲	۶	۴
						۶	۴	۱	۲	۹	۳	۸	۵	۷						
						۸	۳	۹	۴	۷	۵	۶	۱	۲						
						۵	۲	۷	۱	۶	۸	۴	۳	۹						
۸	۴	۶	۲	۳	۷	۱	۹	۵	۷	۸	۶	۲	۴	۳	۵	۸	۱	۷	۹	۶
۹	۲	۳	۸	۵	۱	۴	۷	۶	۳	۲	۱	۵	۹	۸	۷	۳	۶	۱	۲	۴
۷	۱	۵	۴	۶	۹	۳	۸	۲	۹	۵	۴	۱	۷	۶	۴	۹	۲	۳	۸	۵
۵	۹	۷	۳	۲	۴	۸	۶	۱				۷	۳	۴	۸	۵	۹	۲	۶	۱
۲	۶	۱	۵	۷	۸	۹	۳	۴				۸	۵	۱	۲	۶	۷	۹	۴	۳
۳	۸	۴	۱	۹	۶	۵	۲	۷				۹	۶	۲	۳	۱	۴	۸	۵	۷
۱	۳	۹	۶	۴	۲	۷	۵	۸				۴	۱	۷	۹	۲	۵	۶	۳	۸
۶	۷	۸	۹	۱	۵	۲	۴	۳				۶	۸	۹	۱	۴	۳	۵	۷	۲
۴	۵	۲	۷	۸	۳	۶	۱	۹				۳	۲	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۹

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد. همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۷۹۲

		۲			۱	۹								۶			۸	۹		
		۱			۸									۸			۲			
۸			۹	۵			۶	۲				۲			۳	۴			۱	۷
۳	۹					۸						۶	۳					۴		
		۵				۲								۴				۳		
		۶					۵	۹						۲					۹	۵
۶	۴			۸	۵			۱				۷	۸			۲	۴			۶
			۴			۶									۶			۵		
		۳	۲			۴			۲		۱			۳	۸			۲		
								۲		۸		۱								
									۳		۷									
								۳		۹		۶								
		۹			۴	۲			۶		۹			۴			۶	۹		
		۷			۶									۶			۸			
۲			۸	۵			۴	۶				۸			۴	۳			۶	۷
۶	۲					۸						۴	۲					۸		
		۵				۶								۳				۶		
		۱					۵	۲						۵					۲	۱
۳	۵			۱	۸			۴				۹	۴			۶	۲			۳
			۵			۳									۱			۷		
		۲	۴			۱								۸	۳			۴		

شرکت پالایش نفت بندرعباس
(سهامی عام)
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
درخواست شماره: ۱۴۰۳/۰۴۳
موضوع آگهی: تعمیر و بازسازی هتل آپارتمان
شرکت پالایش نفت بندرعباس در مشهد مقدس
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه
پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.Shana.ir و www.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

نوبت دوم
شرکت پالایش نفت بندرعباس
(سهامی عام)
آگهی مناقصه عمومی
بدون اخذ سپرده
درخواست شماره: RHD-0310004-T26
موضوع آگهی: ساخت تست رینگ
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت مراجعه نمایید.
WWW.BAORCO.IR
روابط عمومی و امور بین‌الملل

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی
مرحله اول
معاونت مهندسی و دفاعی پدافند غیرعامل نزاجا به عنوان دستگاه مناقصه‌گزار
در نظر دارد انجام پروژه مشروحه ذیل را در قالب طرح‌های غیرعمرانی، طبق مشخصات فنی کار با شرایط کلی از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی به شرکت پیمانکاری واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	کارفرما	مبلغ برآورد بر مبنای فهرست بهای پایه سال ۱۴۰۳ (ریال)	مبلغ ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه (ریال)	مدت انجام کار (ماه)
۱	تکمیل مأمورسرای فرماندهی آماد و پشتیبانی نزاجا	نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲/۳۸۵/۰۹۰/۱۸۳/۰۶۴	۶۰/۳۰۱/۸۰۳/۶۶۱	۲۴

شرایط شرکت متقاضی:
الف) داشتن تجهیزات، امکانات و تخصص لازم جهت اجرای موضوع مناقصه
ب) دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در رشته ساختمان و ابنیه با حداقل پایه ۳ و تاسیسات با حداقل پایه ۵ و دارا بودن ظرفیت آزاد در رشته مورد نظر و همچنین داشتن گواهینامه تاییدیه صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
ج) توانایی ارائه ضمانتنامه‌های بانکی مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه و تضمین انجام تعهدات به میزان ۵ درصد مبلغ قرارداد
۱ – اعتبار پروژه: اعتبار پروژه از طریق تهاتر با اراضی در اختیار نزاجا و با قیمت هیات کارشناسی اراضی آجا تامین می‌گردد.
۲ – مدت اعتبار پیشنهادات: به مدت ۳ ماه پس از آخرین تاریخ مهلت تسلیم پیشنهادها معتبر باشد.
۳ – مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: الف) تقاضای کتبی جهت دریافت اسناد مناقصه با ذکر موضوع مناقصه به همراه روگرفت گواهینامه صلاحیت پیمانکاری و ایمنی ب) قیمت خرید اسناد مناقصه ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که باید به حساب شماره ۶۱۵۸۸۰۰۱۸۴۳۰۷ بانک سپه شعبه جلالیه تهران (به نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی بالاتر از تقاطع دکتر فاطمی) به نام تمرکز وجوه حاصل از عواید داخلی دارایی سازمان مهندسی نزاجا واریز شده و اصل رسید آن به فروشنده اسناد مناقصه تحویل شود. ج) متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تا پایان وقت اداری ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ به نشانی دستگاه مناقصه‌گزار مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۶۹۴۴۳۲۵ – ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
۴ – آخرین مهلت جهت تسلیم اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۰
۵ – بازگشایی پاکات مناقصه: در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ و در محل اتاق جلسات دستگاه مناقصه گزار انجام خواهد گرفت.
۶ – نشانی دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت و تسلیم اسناد مناقصه: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع دکتر فاطمی غربی و کارگر شمالی معاونت مهندسی دفاعی و پدافند غیرعامل نزاجا، دایره امور پیمان و خریدها
۷ – دستگاه مناقصه‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.
۸ – نوع کمیت و کیفیت خدمات و سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است.
۹ – هزینه کارشناسی اراضی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
۱۰ – هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
معاونت مهندسی دفاعی و پدافند غیرعامل نزاجا